

یادداشت

شبه‌قانون‌های غیرقانونی

بنابراین در تحلیل اگر موجه به استناد انقضای مدت از مرجع قضائی خواهان دستور تخلیه باشد، چون قرارداد اجاره‌ای وجود ندارد و مستاجر اجازه و دلیل ومستندی برای ادامه سکونت در آن ملک را ندارد، دادگاه نیز دستور تخلیه باید صادر کند.

بر پایه همین ماده، در ماده ۳ قانون روابط موجر و مستاجر (۱۳۷۶) نیز مقرر شد «پس از انقضای مدت اجاره بنا به تقاضای موجر یا قائم‌مقام قانونی وی، تخلیه عین مستاجر در اجاره با سند رسمی توسط دوایر اجرای ثبت طرف یک هفته و در اجاره با سند عادی طرف یک هفته پس از تقدیم تقاضای تخلیه به دستور مقام قضائی در مرجع قضائی توسط ضابطین قوه قضائیه انجام خواهد گرفت». یعنی در صورتی که قرارداد اجاره مطابق با شرایط قانونی تنظیم و امضا شده باشد، با انقضای مدت اجاره دادگاه‌ها اصولا مکلف به صدور دستور تخلیه‌اند.

اما شورای سران سه قوه در مصوبه خود چنین مقرر کرده است که مراجع قضائی از صدور حکم یا دستور تخلیه به دلیل انقضای مدت خودداری کنند. این تصمیم از هر جهت خلاق قانون روابط موجر و مستاجر و قانون مدنی است. اگر قرار به چنین تصمیمی باشد، فقط مجلس شورای اسلام با طی روند قانون‌گذاری می‌تواند آن را اتخاذ کند. شورای سران سه قوه صلاحیت اتخاذ چنین تصمیمی را ندارد. مسئله اصلی درستی یا نادرستی ماهیت این مصوبه نیست؛ مشکل بزرگ‌تر این است که تغییر یا اصلاح هر قانون فقط و مطلقا در صلاحیت دستگاه قانون‌گذاری است. هیچ مرجع دیگری صالح به تغییر یا اصلاح قانون نیست. در اختیاراتی که به این شورا تفویض شد، بر خودداری از ورود به حوزه قانون‌گذاری تاکید شده است. با این حال موقعیت قانون در ساخت سیاسی ایران چنان ضعیف و سست شده است که نهادهای مختلف به‌سادگی خود را در موقعیت وضع شبه‌قانون قرار می‌دهند یا اگر هم قانونی با تشریفات درست وضع شده است، به‌سادگی نقض می‌شود.

در نظام حقوقی ایران، قانون مهم‌ترین منبع حقوق است. نقش قانون در ایجاد نظم حقوقی و اجتماعی بنیادی و بی‌بدیل است. به همین دلیل دقت فراوان در قانون‌گذاری و اهتمام عالی در اجرای قانون بیشترین سهم را در نظم عمومی ایفا می‌کند. حال وقتی ستون خود متزلزل و لرزان باشد، طبیعی است که بنایی که روی آن ساخته شده است، بسیار بیشتر به لرزه درمی‌آید و چه‌بسا که فرو بریزد.

تعدد مراکز وضع شبه‌قانون‌های غیرقانونی از سویی و فراوانی نقض قانون از سوی دیگر، ساختمان انتظام امور و نظم حقوقی کشور را دچار تکانه‌های شدیدی کرده و در معرض فروپزری قرار داده است. شرایط حکمرانی اقتضا می‌کند ارکان و ستون‌های نظام حقوقی-سیاسی مصون و محفوظ بمانند و کارها از مسیرهایی که در قواعد و اصول حقوقی، قانون اساسی و قوانین عادی تعیین شده‌اند، سامان داده شوند. بیراهه‌ها راه به گمراهه می‌برند.

هزینه‌های یکسان‌سازی ارز در شرایط جنگ

۳. در چنین فضایی، صرف تکیه بر «یکسان‌سازی قیمتی» بدون اصلاح ساختار نظارتی و شفافیت، نه‌تنها رانت را از بین نمی‌برد، بلکه آن را به شکل جدیدی بازتولید می‌کند.

در فرایند تخصیص ارز برای واردات، وزارتخانه‌ها افراد یا شرکت‌های خاصی را معرفی می‌کنند و بانک مرکزی بدون نظارت بر زنجیره تأمین، ارز در اختیارشان می‌گذارد. این شیوه افزون بر ایجاد رانت، امکان «خرید ارز دولتی» و فروش کالا با قیمت آزاد» را فراهم می‌آورد. سؤال کلیدی آن است که چرا به‌جای تخصیص به افراد، از سامانه‌های شفاف رهگیری کالا (از گمرک تا تقفسه فروشگاه) استفاده نمی‌شود؟ تجربه کشورها نشان می‌دهد نظارت هوشمند و مبتنی بر فناوری، می‌تواند تا حد زیادی از انحراف ارز جلوگیری کند، بی‌آنکه نیاز به شوک قیمتی باشد. سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز اگرچه در بلندمدت می‌تواند با حذف نرخ‌های چندگانه، رانت را کاهش دهد و شفافیت بیآورد، اما زمان‌بندی اجرای آن در اقتصاد تحریمی رکود-تورمی، بسیار حیاتی است. اجرای شوک‌درمانی نرخ ارز در شرایطی که انتظارات تورمی ریشه دوانده، نقدینگی سرگردان بالااست و تولیدکنندگان برای تأمین مواد اولیه به ارز وابسته‌اند، معمولا به تعمیق رکود تورمی می‌انجامد؛ چراکه هزینه‌های تولید را افزایش داده و قدرت خرید خانوارها را کاهش می‌دهد. پیش‌بینی وزیر اقتصاد در دی‌ماه مبنی بر کاهش تورم از اسفند، دقیقا به دلیل نادیده‌گرفتن همین واقعیت‌ها با خطا مواجه شد. افزون بر این، تجربه شوک‌های ارزی ادوار گذشته در ایران، هشداردهنده پیامدهای اجتماعی آن (از جمله تشدید نارضایتی‌ها در اعتراضات دی‌ماه) بوده است. در این راستا تأمل بر تجربه روسیه در جنگ با اوکراین آموزنده است. روسیه افزون بر برخورد قضائی با متخلفان، از ابلاغ اجباری فروش ارز (۸۰ درصد درآمدهای ارزی) و کنترل سرمایه استفاده کرد. در ایران، با توجه به انحصار عرضه ارز توسط نهادهای عمومی، برخورد قضائی صرف، بدون اصلاح ساختار تصمیم‌گیری و شفافیت حساب‌های ارزی، کارایی چندانی نخواهد داشت. بنابراین، باید از مکانیسم‌های نظارتی و مالی روسیه الگوبرداری صورت گیرد. هرچند افزایش نرخ ارز در ماه‌های ابتدایی درآمدهای ریالی دولت را بالا برد، اما رشد تورم هزینه‌های جاری را نیز به همان نسبت افزایش داد و دولت را به استقرار از بانک مرکزی کشاند. اکنون نرخ تورم و رکود در بسیاری از بخش‌های تولیدی، عمیق‌تر از پیش از یکسان‌سازی شده است. این نشان می‌دهد سیاست صرفا قیمتی، بدون سیاست‌های مکمل نتیجه معکوس خواهد داشت. دولت با بازنگری در سیاست‌های ارزی، می‌تواند از تکرار اشتباهات گذشته پرهیز کند. در غیر این صورت، اصرار بر سیاست‌های یک‌سویه، افزون بر تعمیق رکود تورمی، بستر نارضایتی‌های اجتماعی را نیز هموار خواهد کرد. از این رو، پیشنهاد می‌شود در شرایط کنونی:

- به‌جای تخصیص ارز دولتی به همه کالاها، فقط برای کالاهای اساسی ضروری (با رهگیری دقیق) یارانه ارزی در نظر گرفته شود و مابقی کالاها با نرخ نیما یا آزاد تأمین شوند.

- سامانه جامع رهگیری ارز از مبدأ تا مصرف‌کننده راه‌اندازی شود و تخصیص ارز به‌جای افراد معرفی‌شده از سوی وزارتخانه‌ها، از طریق روش‌های شفاف و با تضمین ارائه اسناد تأمین کالا انجام گیرد.
- برای جلوگیری از تعمیق رکود، تسهیلات ارزی با نرخ ترجیحی به تولیدکنندگان دارای برنامه افزایش صادرات غیرنفتی اختصاص یابد.

وظیفه خبرنگاران رهبری چیست؟

با کدام اقتصاد و با چه میزان تورم؟ تمام کشورهای همسایه و دوست در تلاش‌اند ایران وارد جنگ جدیدی نشود، ولی برخی بر این باورند که سعادت دنیا و آخرت در گرو جنگ و مرگ است. چرا دولت و کارشناسان امور را که همواره در تلاش‌اند به صلحی عزتمندانه دست یابند، موسوی نمی‌کنید؟ چرا باید صد اوسیمایی را هم‌مسویی کنید که تاکنون همواره رسانه گروهی خاص بوده و هیچ‌گاه منافع ملی را پاس نداشته است؟

چه زیبا گفت خواجه شیراز:

ما ملک عاقبت نه به لشکر گرفته‌ایم/ ما تخت سلطنت نه به بازو نهاده‌ایم/ تا سحر چشم یار چه بازی کند که باز/ بنیاد بر کرشمه جادو نهاده‌ایم.

واکاوی توافق میان اسرائیل و لبنان در گفت‌وگوی «شرق» با محمد خواجه‌ویی

گره کور سیاسی در بیروت



محمد خواجه‌ویدی در جریان نشست خبری در بیروت

مهسا زهدی؛ واشینگتن و برخی از مقامات آمریکایی از توافق اخیر میان لبنان و اسرائیل به عنوان گامی در مسیر کاهش تنش‌ها یاد می‌کنند و در حال فروش آن به عنوان تنها راه ثبات درلبنان‌اند. اما بسیاری از ناظران می‌گویند این توافق نه‌تنها

پاسخی برای بحران‌های انباشته‌لبنان ارائه‌نمی‌دهد، بلکه‌ممکن‌است برپیچیدگی‌های موجود در عرصه سیاسی در بیروت اضافه کرده و دردسراهای تازه‌ای بیافریند. توافقی که در روزهای اخیر امضا شد، هنوز فاقد جزئیات روشن درباره سرنوشت مناطق اشغالی، بازگشت آوارگان و چگونگی حل یکی از مناقشه‌برانگیزترین مسائل لبنان، یعنی سلاح حزب‌الله است و مخالفان جدی در این کشور دارد. در «شرق» با محمد

خواجهویی، رئیس گروه مطالعات لبنان در پژوهشکده تحقیقات استراتژیک خاورمیانه، به واکاوی این توافق و اثرات آن پرداخته‌ایم.

توافقی که شکل گرفته، یک ساختار کلی دارد و اساسا نام آن «توافق بر سر چارچوب یک توافق بزرگ‌تر» است. جزئیات کامل توافق هنوز منتشر نشده و آنچه تاکنون

به‌صورت رسمی و عینی در دسترس قرار گرفته، صرفا به این موضوع اشاره می‌کند که اسرائیل از دو منطقه در جنوب لبنان عقب‌نشینی خواهد کرد. این اشغال این مناطق مناطق پایلوت یا مناطق آزمایشی نامیده‌اند. به این معنا که اسرائیل به‌صورت آزمایشی از دو ناحیه مشخص خارج می‌شود.

آنچه در متن توافق به‌طور مشخص و عینی ذکر شده، همین مسئله است و فراتر از آن توضیح روشنی درباره اقدامات بعدی اسرائیل ارائه نشده است. در مقابل، مقامات

اسرائیلی هم اعلام کرده‌اند از مناطقی که تحت عنوان منطقه امنیتی در جنوب لبنان از آن یاد می‌کنند، خارج نخواهند شد. منطقه‌ای که اسرائیل درباره آن صحبت می‌کند، ناحیه‌ای با عمق حدود ۱۰ کیلومتر در داخل خاک

لبنان و با مساحتی نزدیک به ۶۰۰ کیلومترمربع است. در توافق کنونی هیچ اشاره‌ای به زمان‌بندی دقیق خروج اسرائیل از این مناطق نشده است. فقط به‌طور کلی

به مسئله عقب‌نشینی درباره موضوع خلع سلاح حزب‌الله ارجاع داده شده است. در واقع، عقب‌نشینی از آن دو منطقه آزمایشی صرفا اقدامی نمادین محسوب می‌شود؛ یکی از آنها در جنوب رود لیطانی و دیگری در شمال این رودخانه قرار دارد. قرار است اسرائیل از این دو منطقه خارج شود در دولت لبنان بتواند این اقدام را در عرصه داخلی به عنوان دستاوردی سیاسی عرضه کند و بگوید در چارچوب توافق، روند عقب‌نشینی اسرائیل از جنوب لبنان آغاز شده است.

اما اختلاف اصلی بر سر همان مناطقی است که اسرائیل همچنان در اشغال خود نگه داشته و اساسا منطقه‌ای گسترده و وسیع را شامل می‌شود. این مسئله، هسته اصلی اختلافات را تشکیل می‌دهد. از همین رو، توافق فعلی فاقد جزئیاتی است که بتواند چشم‌انداز روشنی درباره خروج کامل اسرائیل از جنوب لبنان ارائه دهد.

همچنین در این توافق درباره موضوعاتی چون بازگشت آوارگان که شمار آنها در لبنان حدود یک میلیون نفر برآورد می‌شود، هیچ سخنی به میان نیامده است. بنابراین توافق حاضر از استحکام لازم برخوردار نیست تا بتواند چشم‌اندازی روشن برای صلح و آتش‌بس پایدار در منطقه ایجاد کند.

❗ در مورد مسئله‌ای که به آن اشاره کردید، یعنی احتمال خروج اسرائیل از جنوب لبنان، این احتمال تا چه اندازه وجود دارد که در صورت پیش‌رفتن امور به صورت مطلوب

و حتی در شرایطی که حزب‌الله خلع سلاح شود. اسرائیل از مناطقی که برایش اهمیت امنیتی زیادی دارند، خارج شود؟ در واقع رابطه میان اشغالگری اسرائیل و موضوع خلع سلاح حزب‌الله به نوعی به معمای «مرغ و تخم‌مرغ» تبدیل شده است. طرف اسرائیلی می‌گوید تا زمانی که حزب‌الله خلع سلاح نشود، از خاک لبنان خارج نخواهد شد. در مقابل، حزب‌الله هم اعلام کرده است تا زمانی که اسرائیل به اشغال بخش‌هایی از خاک لبنان پایان ندهد و از آن خارج نشود، هیچ گفت‌وگویی درباره خلع سلاح را نخواهد پذیرفت و چنین اقدامی را حیانت به لبنان می‌داند. همین مسئله گره اصلی بحران را شکل داده است. نکته مهم آن است که توافق کنونی هم پیش از آنکه راه‌حلی برای این مشکل ارائه کند، بر ابهامات افزوده است.

اخیرا نبیه بری، رئیس پارلمان لبنان و یکی از رؤسای سسه‌گانه این کشور، صراحتا مخالفت خود را با این توافق

به‌سادگی استدلال کند که حزب‌الله باید سلاح خود را کنار بگذارد؛ زیرا هنوز نتوانسته ثابت کند که ارتش و دولت به‌تتهایی قادر به تأمین امنیت کشور هستند.

❗ با وجود تمام این موانع، به نظر می‌رسد دولت لبنان بر مسئله خلع سلاح اصرار دارد. از سوی دیگر، حزب‌الله هم مخالفت شدیدی با توافق میان لبنان و اسرائیل نشان می‌دهد. آسیا این وضعیت ب تعمیق شکاف‌های داخلی منجر خواهد شد؟ در این صورت چه مخاطراتی برای لبنان به همراه دارد؟

لبنان اساسا کشوری است که ساختار سیاسی آن بر پایه طایفه‌گرایی شکل گرفته است. در این کشور، سندی وجود دارد که از آن با عنوان «ميثاق ملی لبنان» یاد می‌شود. براساس روح حاکم بر این ميثاق، مسائل اختلافی و حساس لبنان باید از طریق اجماع، توافق و گفت‌وگو میان همه گروه‌ها و طوایف حل‌وفصل شود.

این صرفا یک اصل سیاسی نیست، بلکه ریشه در ساختار حقوقی و تاریخی لبنان دارد. واقعیت آن است که سنت سیاسی لبنان هم همواره بر همین مبنا شکل گرفته است. در این کشور هیچ قدرت فائقه یا بازیگر مسلطی وجود نداشته که بتواند اراده خود را بر سایر نیروها تحمیل کند. ساختار دولت لبنان اساسا بر پایه مشارکت طوایف مختلف در قدرت بنا شده است. همین ویژگی سبب شده است هیچ نهاد یا جریان سیاسی‌ای نتواند تمام اهرم‌های قدرت را در اختیار بگیرد و بر دیگران سیطره کامل داشته باشد. در نتیجه، اجماع ملی و گفت‌وگوی سیاسی همواره مهم‌ترین سازوکار حل اختلافات در لبنان بوده است. برای درک این مسئله کافی است به تجربه‌های تاریخی لبنان نگاه کنیم. پایان جنگ داخلی ۱۵ساله این کشور، نه‌ از طریق غلبه نظامی یک طرف بر طرف دیگر، بلکه براساس «توافق طائف» رقم خورد. توافقی که در آغاز دهه ۱۹۹۰ میلادی مبنی‌ا نظم سیاسی جدید لبنان‌ان قرار گرفت. همچنین «توافق دوحه» در سال ۲۰۰۸ نیز نمونه دیگری از حل بحران‌های سیاسی از طریق مذاکره و اجماع بود. تمامی این توافقات‌ها و نشست‌های سرنوشت‌ساز بر یک اصل مشترک استوار بودند: گفت‌وگو و توافق میان همه نیروهای سیاسی. لبنان هیچ‌گاه مسائل بنیادی خود را از طریق تصمیم‌گیری یک‌جانبه حل نکرده است. اگر چنین رویکردی در پیش گرفته شود، نتیجه‌ای جز افزایش تنش و حتی احتمال بازگشت به درگیری‌های داخلی نخواهد داشت.

مشکل کنونی از آنجا ناشی می‌شود که ایالات متحده و اسرائیل، به‌ویژه در دو، سه سال اخیر، با اعمال فشارهای غیرمعتارف، توازن سیاسی موجود در لبنان را بر هم زده‌اند. در شرایط عادی، موضوع سلاح حزب‌الله هم باید از طریق یک روند گفت‌وگوی ملی و دست‌یابی به اجماع حل‌وفصل می‌شد؛ اما این روند شکل نگرفت و در نتیجه توازن سیاسی کشور دچار اختلال شد.

در سال ۲۰۰۸، میشل سلیمیان طرحی را با عنوان «استراتژی دفاع ملی لبنان» مطرح کرد. هدف این طرح، آن بود که سلاح حزب‌الله در چارچوب یک راهبرد دفاعی ملی تعریف شود، به‌گونه‌ای که لبنان همچنان ابزار بازدارندگی و مقاومت خود را حفظ کند، در عین حال دولت نیز کنترل تصمیمات مربوط به جنگ و صلح را در اختیار داشته باشد. نکته شایان توجه این است که حزب‌الله در آن مقطع با اصل این طرح موافقت کرده بود. از نگاه من، امروز نیز راه‌حل بحران دقیقا در همین مسیر قرار دارد؛ یعنی موضوع سلاح حزب‌الله باید به یک فرآیند گفت‌وگوی ملی منبوع شود تا در نهایت تصمیمی مبتنی بر اجماع همه طرف‌ها شکل بگیرد. با این حال، به اعتقاد من، ایالات متحده و اسرائیل مانع شکل‌گیری چنین روندی شده‌اند. در حالی که این چارچوب می‌توانست به حزب‌الله اطمینان دهد که توان بازدارندگی خود را دست‌کم در سطحی اصولی حفظ می‌کند، در عین حال این توانمندی در چارچوب نهاد دولت و راهبرد دفاعی ملی قرار می‌گرفت. با وجود این، اجازه داده نشد چنین راهکاری به نتیجه برسد.

❗ تا زمانی که این وضعیت ادامه داشته باشد، تنش‌های موجود نیز بابرجا خواهند ماند و تصمیمات اتخاذ‌شده قابل اعتباری پیدا نخواهند کرد. برای مثال، در این‌بخند سال گذشته، طرح خلع سلاح حزب‌الله در کابینه نواف سلام به تصویب رسید، اما آیا این تصمیم عملا اجرا شد؟ آیا ارتش لبنان که مسئولیت اجرای آن را بر عهده داشت، توانست چنین مأموریتی را به سرانجام برساند؟

واقعیت این است که اجرای چنین تصمیمی در شرایط فعلی تقریبا ناممکن بود. این مصوبه بیش‌از از آنکه یک برنامه عملیاتی باشد، متنی بود که‌ه روی کاغذ باقی ماند. همه طرف‌های سیاسی لبنان نیز از این واقعیت آگاه هستند. با این حال، فشارهای آمریکا همچنان ادامه دارد و اجازه نمی‌دهد این مسئله در قالب گفت‌وگوهای ملی و سازوکارهای اجماعی بررسی شود. تا زمانی که چنین وضعیتی برقرار باشد، به نظر من هیچ چشم‌انداز روشنی برای حل‌وفصل این بحران وجود نخواهد داشت. در این شرایط، همه بازیگران بر مواضع خود اصرار می‌ورزند، هیچ‌یک حاضر به عقب‌نشینی نیست و در نتیجه، تنش‌های موجود همچنان تداوم خواهد یافت.

مسئله اصلی این است که اسرائیل پس از عملیات‌های اخیر

به دنبال تغییر کلی

چهره امنیتی منطقه، دست‌کم در محیط

پیرامونی خود، است.

تل‌آویو در پی آن است

که ترتیبات امنیتی

جدیدی را در مناطق

اطراف خود چه درغزه،

چه در لبنان ایجاد کند

آگهی دعوت مجمع عمومی موسس انجمن صنفی کارفرمای کارپایی‌های بین المللی استان تهران کارپایی های غیردولتی خارجی (بطور الکترونیک)

اولین مجمع عمومی انجمن صنفی مذکور (بطور الکترونیک) در روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ ساعت ۱۰ صبح در آدرس حضور هیات رتبه و ناظر اداره کار، خیابان آزادی، ابتدای خیابان خوش چوبی، پلاک ۹۵۷، طبقه اول برگزار می گردد.از کلیه کارفرمایان شاغل در صنف مربوطه دعوت می شود بطور الکترونیکیک از طریق لینک https://elentekhab.ir/vote/ در صورت شرکت نمایند. ضمنا افرادی که مایل به عضویت در هیئت مدیره و یا بازرسی می باشند می توانند تا قبل از آغاز برگزاری مجمع تقاضای کتبی خود را تحویل هیئت رتبه مجمع نمایند.
دستور جلسه:
۱. تصویب اساسات.
۲. انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره و بازرسان .
انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های انجمن
۰۴ سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی موسس انجمن می باشد.
اسامی هیئت موسس (۱۱ حسن کرباسی ۲) محمد علی معلییان ۳) لیلی دانشمندی

برگ سبز خودرو تاکسی سمند زرد خورشیدی
با نوار های شطرنجی مشکی مدل ۱۳۹۰
به شماره پلاک : ۷۸ ایران ۴۴۷۲۴
شماره شاسی: ۸۶۹۰۶۳۱CA1BF۰۶۱NAAC
و شماره موتور: ۲۴۹۰۰۲۴۸۲
به نام محمودرضا عظیمی شامیر
با کد ملی ۰۸۲۷۹۳۱۸۰۸ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰ ۳۶۱۱۹
WWW.SHARGHDAILY.IR

ارتباط با روزنامه شرق
T.ME/ALOSHARGH
WWW.SHARGHDAILY.IR